

Requirements of Iran's Foreign Policy in ICT Development¹

Hossein Salimi¹, Hemmat Imani²

1. Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

hoseinsalimi@yahoo.com

2. PhD., Student of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (*Corresponding author*).

hemmat.imani@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review requirements of Iran's foreign policy in ICT (Information Communication Technology) development. The research method is descriptive-analytic and the results show that ICT and cyber space development in Iran is not feasible merely relying on internal power. The nature and essence of ICT is in such a way that development in this field is almost impossible without international cooperation and collaboration with different countries and pioneer multinational corporations. In neoliberal institutionalists' view, collaboration in international institutionalization in order to determine the standards of ICT is a very important issue because in the age of globalization, the governments which set the standards will also determine the agenda for other governments and in this way, they gradually dominate them. Moreover, the decision makers' understanding of the issue that resources and power are immensely pluralistic in the international level is very vital. It means that it is globally effective on a country's power and status in terms of military hard sources as well as economic, political, structural, consensual, diplomatic, scientific, technological, and innovative sources. Governments should reach their priorities to those of people and private sector in the development of ICT. Currently, there is a gap between these two aspects which is evident in the issue of filtering. The government should expand the country's cyber space in the atmosphere of international competition.

Keywords: Globalization, Foreign Policy, International Cooperation, ICT, Technological Diplomacy, Economic Diplomacy.

1. **Received:** 2022/02/09 ; **Revised:** 2022/04/09 ; **Accepted:** 2022/11/21 ; **Published online:** 2022/09/23

DOI: 10.22034/sm.2022.548551.1825

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بایسته‌های سیاست خارجی ایران در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱

حسین سلیمی^۱، همت ایمانی^۲

۱. استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. hoseinsalimi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). hemmat.imani@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی بایسته‌های سیاست خارجی ایران در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد توسعه ICT و فضای مجازی در ایران صرفاً با تکیه بر توان داخلی مقدور نخواهد بود. ماهیت و ذات حوزه ICT به گونه‌ای است که بدون همکاری بین‌المللی و مشارکت با دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی پیشرو، توسعه این بخش تقریباً غیرممکن است. به زعم نهادگرایان نئولیبرال، مشارکت در نهادسازی‌های بین‌المللی به منظور تعیین استانداردهای حوزه ICT، امری بسیار مهم است؛ چرا که در عصر جهانی شدن، دولت‌هایی که استانداردها را تعیین می‌کنند، برای دیگر دولت‌ها دستورکار تعیین خواهند کرد و از این طریق به تدریج بر آنها مسلط خواهند شد. همچنین درک تصمیم‌گیران از این مسئله که در محیط بین‌المللی، منابع و مفهوم قدرت بسیار متکثر شده، تعیین‌کننده خواهد بود؛ به این معنا که از منابع سخت نظامی گرفته تا منابع اقتصادی، سیاسی، ساختاری، نرم، اجماع‌سازی، دیپلماتیک، علمی، فناوری و نوآوری در میزان قدرتمندی و ارتقاء جایگاه یک کشور در عرصه جهانی تأثیرگذار است. حکومت در راستای توسعه حوزه ICT باید اولویت‌های خود را به اولویت‌های مردم و بخش خصوصی نزدیک کند. در حال حاضر، شکافی بین این اولویت‌ها وجود دارد، که خود را در مسئله فیلترینگ بروز می‌دهد. دولت باید فضای مجازی کشور را در فضای رقابت بین‌المللی توسعه دهد.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، سیاست خارجی، همکاری‌های بین‌المللی، ICT، دیپلماسی فناوریانه، دیپلماسی اقتصادی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱



۱. مقدمه

در عصر جهانی شدن و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)^۱، تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی، علم و تکنولوژی، ماهیت فراملی پیدا کرده است و دیگر نمی‌توان صرفاً با تکیه به ابزار و توان داخل مرزهای ملی، مسائل کشور را حل و فصل کرد. تمامی حوزه‌های پیشرفت هر کشوری، متأثر از فرایند جهانی شدن، دارای بعد جهانیست. علاوه بر دولت‌ها، بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی ظهور یافته‌اند، که ضمن کاهش اختیارات دولت در سطح ملی و بین‌المللی، عرصه روابط بین‌الملل را بیش از پیش، پیچیده ساخته‌اند. همچنین رقابت سرسختانه‌ای بین دولت‌ها در مسیر توسعه و قدرت‌یابی شکل گرفته است. دیگر تأمین امنیت ملی و منافع ملی بدون توجه به تحولات روز دنیا، نفوذ در روندهای جهانی و شکل دادن به ائتلافات بین‌المللی، غیرممکن است. در چنین شرایطی، حوزه فضای مجازی نیز با توجه به اینکه مرتبط با مسائل علمی، فناوری و اقتصادی است، به مراتب پیچیده‌تر و سریع‌تر از دیگر عرصه‌ها در حال تحول است؛ به گونه‌ای که پیامدهای تحولات این حوزه به بخش‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز سرایت می‌کند.

بنابراین، باید گفت که نقش ICT در توسعه کشورها بسیار سرنوشت‌ساز است و در واقع تمامی عرصه‌های گوناگون زیست اجتماعی بشر به خصوص در حوزه‌های سیاست و امنیت، در این عرصه شکل خواهد گرفت. حوزه فضای مجازی در ایران نیز، به منظور تأمین امنیت و منافع ملی، نیازمند تحول اساسی است. در این زمینه علاوه بر اقدامات گوناگون حکومتی، دو مسئله اساسی «مشارکت مردم و بخش خصوصی» و «همکاری‌های بین‌المللی»، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. این پژوهش به بررسی نقش سیاست خارجی در توسعه فضای مجازی و ICT در بستر اقتصاد سیاسی جهانی می‌پردازد. در پاسخ به این سؤال که چه رویکردی در سیاست خارجی، زیرساخت، فناوری و خدمات فضای مجازی، ایران را با هدف تأمین امنیت ملی و تقویت نقش ثروت‌آفرینی آن در پیشرفت کشور ارتقاء می‌دهد؟ ادعای پژوهش این است که با رعایت الزامات رفتاری گوناگون در حوزه سیاست خارجی کشور و توجه به دیپلماسی علمی، فناوری و اقتصادی و در پیش گرفتن رویکرد همکاری‌جویانه در تعامل با کشورهای پیشرو در حوزه فضای مجازی و ICT، می‌توان به چنین هدفی دست یافت. در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که در ارتباط

با «تأثیر فناوری اطلاعات بر سیاست خارجی» پژوهش‌های زیادی به زبان فارسی و زبان‌های خارجی انجام شده است؛ اما در ارتباط با «نقش سیاست خارجی در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات»، اثر علمی قابل استنادی منتشر نشده است که بتوان به بررسی آن پرداخت. در واقع توجه به این مسئله که سیاست خارجی چگونه می‌تواند به توسعه ICT و به تبع آن، بهبود زیرساخت‌ها و خدمات فضای مجازی کشور کمک کند، در نوع خود موضوع مطالعاتی جدیدی به حساب می‌آید.

۲. چارچوب نظری؛ نظریه نهادگرایی نئولیبرال

برای تحلیل اثرات جهانی شدن بر توسعه کشورها و همچنین ارزیابی جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها در قبال تحولات ناشی از فرایند جهانی شدن، نظریه‌ای نهادگرایی نئولیبرال، چشم‌انداز مناسبی ارائه می‌دهد. لیبرالیسم در روابط بین‌الملل یک ایدئولوژی نیست، بلکه نظریه‌ای برای تبیین واقعیات بین‌المللی در عصر جدید است. برخلاف رویکرد رئالیستی، رهیافت‌های لیبرالیستی، روابط بین‌الملل را عرصه‌ای می‌داند که در کنار رفتارهای منازعه‌آمیز، رفتارهای همکاری‌جویانه نیز در آن وجود دارد و تأثیر این رفتارها بر امنیت و منفعت کشورها، بسیار بیشتر از کنش‌های تنازع‌آمیز است (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۶: ص ۹۳). بیشتر محققان لیبرال در مطالعات خود بر این مسئله تمرکز دارند که چگونه سازمان‌های بین‌المللی، «همکاری» را تقویت می‌کنند؛ این دسته از محققان عمدتاً نهادگرایان نئولیبرال^۱ نامیده می‌شوند (McGlinchey, 2017: p.25). برخی از مفروضات نهادگرایی نئولیبرال عبارتند از: وجود منافع متقابل بین بازیگران متنوع، اهمیت بازیگران غیردولتی مانند سازمان‌ها، نهادها و افراد، امکان‌پذیری همکاری بین بازیگران، اهمیت دولت به عنوان بازیگر اصلی در عین توجه به نقش فراگیر نهادها، تأکید بر جنبه‌های گوناگون قدرت، نه فقط بُعد نظامی (Keohane, 2018: p.4-15). در این رویکرد نظری، دولت‌ها کنش‌گرانی یکپارچه و عقلانی هستند و براساس تأمین منافع ملی رفتار می‌کنند و در محیط رقابت‌آمیز - بدون توجه به دستاوردهای دیگران - به دنبال افزایش منافع خود از طریق همکاری هستند. بر مبنای نگرش لیبرالیستی، دولت بازی‌گر اصلی است؛ اما تنها بازیگر نیست و سازمان‌ها، رژیم‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی مانند شرکت‌های چندملیتی نیز نقش‌آفرینی می‌کنند. در نتیجه، برای استقرار صلح و همکاری بین‌المللی باید نهادها و ساختارها را اصلاح کرد. همچنین مسائل نظامی و امنیتی، تنها مسائل اساسی جهان نیستند؛

بلکه امروزه مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت یافته است. این نظریه‌پردازان بر تغییر قاعده رفتار از تعارض به همکاری‌های فراملی و تغییر قاعده بازی از حاصل جمع صفر به حاصل جمع غیرصفر تأکید دارند. نهادگرایان نئولیبرال نهادهای بین‌المللی را بازیگر مستقلی در سیاست بین‌الملل در نظر می‌گیرند. به اعتقاد آنها، نهادها ابزاری برای دستیابی به همکاری بین بازیگران نظام بین‌الملل است. از نظر نهادگرایان نئولیبرال، امروزه سیاست خارجی در کنترل وابستگی متقابل پیچیده و فرایندهای متقابل جهانی شدن است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ص ۴۳۳). این نظریه در ارتباط با مسائلی مانند جهانی شدن، توسعه، گسترش ICT، رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی و علمی، تحلیل منعطف‌تری ارائه می‌دهند که امکان تبیین واقعیت‌های موجود را دارند.

۳. نسبت جهانی شدن با سیاست خارجی و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات

براساس نظریه نهادگرایی نئولیبرال، فرایند جهانی شدن واقعیتی غیرقابل انکار است و همه بازیگران این عرصه از دولت‌ها تا گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و افراد، جهانی شدن و فرصت‌ها و تهدیدات آن را به خوبی درک می‌کنند. در سایه جهانی شدن و توسعه ICT، بازیگران متعددی از گروه‌ها و شرکت‌ها گرفته تا افراد، در حال قدرت گرفتن هستند و مردم دنیا به اطلاعات گسترده‌ای در مورد مقایسه کشورها از نظر خدمات عمومی، رفاه، کارآمدی و... دست یافته‌اند. دولت-ملت‌ها دیگر توان پنهان کردن مسائل گوناگون از دید شهروندان را از دست داده‌اند. ریچارد روزکرانس^۱ بر این باور است که در عصر حاضر، ماهیت دولت در حال دگرگونی است و دولت‌های امنیت‌محور گذشته به تدریج به دولت‌های تجارت‌محور بدل می‌شوند که مسئله آنها در روابط بین‌الملل متفاوت است. از نظر روزکرانس در شرایط جدید، پدیده نوین «دولت مجازی»^۲ در حال شکل‌گیری است. دولت مجازی محصول رشد روزافزون فضای مجازی در نتیجه گسترش حیرت‌انگیز تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و در عین حال، اهمیت بی‌سابقه اقتصاد و تجارت در عرصه جهانی و خارج شدن حیطه فعالیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک از دایره مرزهای ملی و حیطه سرزمینی است. از نظر وی، دولت مجازی دولتی است که عرصه فعالیت‌های خود را به ویژه در حوزه اقتصاد و تجارت به سطح جهانی گسترش داده است و در این زمینه بیشترین بهره را از فضای مجازی و

1. Richard Rosecrance

2. Virtual State

تکنولوژی ارتباطات می‌برد (سلیمی، حسین، ۱۳۸۴: ص ۳۲). به زعم روزکرائس، دولت مجازی به سرزمین محدود نمی‌شود و بیشتر مبتنی بر ظرفیت تولید بوده و این مسئله نتیجه منطقی رهایی آن از زمین است. امروزه شرکت‌ها به مزایای شناسایی امکانات تولید در هر کجا که سودآور باشد، پی برده‌اند. دولت مجازی دولتی است که اقتصاد آن به عوامل متحرک تولید متکی است (Rosecrance, 1996: p.46). همچنین امروزه ابزارهای بسیاری برای مجازات دولت‌های متجاوز در کنار اقدامات نظامی - سرزمینی وجود دارد. حذف عوامل تولید، سرمایه، بازار و مزایای دسترسی به کالاها، مجازات قابل توجهی در دنیایی است که بازیگران جهت دسترسی به تکنولوژی، مالیه، و اطلاعات از دیگر کشورها، وابستگی زیادی به آن دارند (Rosecrance, 2002: p. 443). در چنین وضعیتی یکی از مسئولیت‌های مهم حکومت‌ها ایجاد پیوند بین اقتصاد داخلی و اقتصاد جهانی در راستای رسیدن به توسعه اقتصادی است. در عصر جهانی شده، دولت‌ها مجبور به همکاری بین‌المللی در راستای افزایش قدرت و رفاه ملی خود هستند. در چنین فضایی، «توان اقتصادی و مجموعه عواملی که به آن منجر می‌شود، مانند فناوری، علم، سازمان‌دهی و خرد جمعی مبنای قدرت محسوب می‌شود. جهانی شدن دسترسی سهل و گسترده به داده‌ها و اطلاعات است» (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ص ۲۶-۲۵). لذا، فرایند جهانی شدن می‌تواند تحت عنوان دستیابی به تکنولوژی ارتباطات و تحرکات سرمایه درک شود. این فرایند چندین عناصر متمایز از جمله تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان‌های سرمایه، دانش، تحرکات مربوط به کار را دربرمی‌گیرد (Borcuch, 2012: p.121). در چنین شرایطی برای بررسی و تحلیل پدیده‌ها و روندهای جهانی، رویکرد «اقتصاد سیاسی جهانی» (GPE)^۱ رهیافتی راهگشا است. در رویکرد اقتصاد سیاسی جهانی به طور کلی تأثیر متقابل جریان‌های قدرت و ثروت در عرصه بین‌المللی بر یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های عصر جهانی شدن، متکثر شدن مفهوم قدرت است. امروزه قدرت دیگر در جنبه‌های نظامی و امنیتی درک نمی‌شود؛ بلکه قدرت انواع مختلفی دارد که شامل قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - معنایی، علمی و فناورانه ... می‌شود. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین نوع قدرت مربوط به توانمندی در عرصه ICT است؛ چرا که «فناوری اطلاعات به مجموعه فناوری‌های مبتنی بر دیجیتال که در تولید، تبادل، ذخیره‌سازی، پردازش، انتشار و نمایش داده‌ها و اطلاعات به‌کار گرفته می‌شود،

اطلاق می‌گردد» (نظام جامع فناوری اطلاعات کشور، ۱۳۸۷). تحولات جهانی شدن در حوزه ICT، نشان از وقوع انقلابی دیگر در عرصه صنعت و علم است، که از آن تحت عنوان «انقلاب صنعتی چهارم» یاد می‌شود. «این مسئله بر انقلاب دیجیتالی مبتنی است و شامل تحول کلی سیستم‌ها در تمام کشورها، دولت‌ها، شرکت‌ها، صنایع و جوامع می‌گردد. همگرایی طیف وسیعی از فناوری‌های مختلف مانند هوش مصنوعی، رباتیک پیشرفته، اینترنت اشیا، خودروهای خودران، چاپ سه بعدی، فناوری نانو، فناوری زیستی، علوم مواد و ذخیره انرژی در انقلاب صنعتی چهارم، اساساً شیوه زندگی، کار و ارتباط مردم جهان را تغییر خواهد داد (گریفین و مارتینز، ۱۳۹۸: ص ۱۶۳). بنابراین، فهم نقش مهم ICT در فعل و انفعالات جوامع در سطح جهانی، در درک ساختارهای پیچیده فرایندهای جهانی شدن بسیار مهم است. جهانی شدن در عرصه ICT، تنها حوزه‌ای است که تقریباً هیچ مخالفی ندارد. در میان متفکران این حوزه، هیچ‌یک گسترش شگفت‌انگیز ICT و تأثیرات انکارناپذیر آن بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد را نادیده نگرفته‌اند (سلیمی، ۱۳۹۶: ص ۳۲۶).

نکته دیگر اینکه، در عصر جهانی شدن، ارائه اطلاعات نظام‌مند نوعی قدرت است؛ به گونه‌ای که «الگوی توسعه ملی که بتواند به نیازهای اطلاعاتی افراد و عناصر اجتماعی در مسیر تعالی آنها پاسخ گوید، بدون تردید از موفقیت لازم برخوردار نخواهد بود» (دیوسالار، ۱۳۹۱: ص ۲۵۱). در واقع ICT با ابزارهایی مانند کامپیوترها، کابل‌های فیبر نوری، وب‌های گسترده در سطح جهانی، موبایل و شبکه‌های مجازی به موتور محرکه جهانی شدن تبدیل شده است. این ابزارها بخش جدایی‌ناپذیر سازمان‌های کسب و کار هستند و بازارهای جهانی را به گردش در می‌آورند (Lawlor, 2008: p.20). در چنین وضعیتی، از دید جوزف نای^۱، قدرت اطلاعاتی بسیار حائز اهمیت است. در حقیقت، اطلاعات سایبری می‌تواند به قدرت سختی تبدیل شود که توان صدمه زدن به اهداف فیزیکی در کشوری دیگر را دارد (نای، ۱۳۹۳: ص ۱۸۲-۱۷۵). امروزه متأثر از جهانی شدن، دستیابی به توسعه، بدون دستیابی به قدرت علمی، فناوری و اطلاعاتی ممکن نیست و ICT نقش جدی در همه حوزه‌های حیات بشری به ویژه در اقتصاد، تولید و پیشرفت کشورها ایفا می‌کند.

۴. فناوری اطلاعات و فضای مجازی به عنوان ابزار قدرت

براساس مفروضات نظریه نهادگرایی نتولیبرال و با توجه به تحولات ناشی از جهانی شدن و گسترش ICT،

1. Joseph Nye

می‌توان گفت که بدون داشتن سهمی قابل توجه در نهادها و استانداردهای حوزه فناوری اطلاعات، دستیابی به منافع ملی و حفظ امنیت ملی ممکن نیست. امروزه در سایه گسترش ICT و فضای مجازی، تمامی حوزه‌های مربوط به کارکرد دولت‌ها، الکترونیکی و مجازی شده است. با اینکه که امروزه در دنیا، اهمیت ICT در بحث توسعه مسئله‌ای جا افتاده است، اما متأسفانه در ایران هنوز تصمیم‌گیران در خصوص اهمیت فناوری و فضای مجازی و نقش آن در قدرتمندی کشور به اجماع نظری دست نیافته‌اند. امروزه ICT فضای متفاوتی برای توسعه و رقابت کشورها در عرصه جهانی به وجود آورده است و همه بازیگران برای پیوستن به جریان جهانی شدن از یکدیگر سبقت می‌گیرند. در واقع انقلاب اطلاعاتی می‌تواند به تعبیر جوزف نای در چارچوب قدرت نرم و قدرت هوشمند، نقش جدی در توسعه و قدرتمندی دولت‌ها داشته باشد. نای، قدرت نرم را توانایی اثرگذاری بر دیگران با ایجاد رغبت و جاذبه مثبت، در راستای کسب نتایج دلخواه، تعریف می‌کند (نای، ۱۳۹۲: ص ۴۶). از دید او قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به اولویت‌های دیگران با استفاده از دارایی‌هایی چون شخصیت، ارزش‌ها، نهادها و آرمان است؛ قدرت نرم، قدرت جذب‌کننده است (نای و پاپ، ۱۳۹۱: ص ۴۲). در این رابطه، امروزه فضای مجازی و ICT به عنوان ابزار قدرت نرم و حتی قدرت هوشمند در عرصه بین‌المللی نقش آفرینی می‌کند و دولت‌ها با استفاده از آن بر دیگر کشورها نفوذ و اعمال قدرت می‌کنند.

انقلاب اطلاعاتی حاضر مبتنی بر پیشرفت‌های سریع فناوری رایانه‌ای، ارتباطی و نرم‌افزاری است که به نوبه خود موجب کاهش شگرف هزینه‌های تولید، فراوری، انتقال و جستجوی اطلاعات می‌شود (نای، ۱۳۹۲: ص ۱۵۹). براساس نظریه نهادگرایی نتولیرال، همکاری در حوزه ICT می‌تواند به تدریج به دیگر بخش‌ها نیز سرایت کند. توسعه ICT، بستری است که فرصت‌های منحصر به فردی برای ارتقای جایگاه هر کشوری به وجود آورده است و نادیده گرفتن تحولات ناشی از آن می‌تواند تهدیدی جدی علیه امنیت ملی هر کشوری قلمداد شود. بنابراین، بین توسعه ICT از یک طرف و نوع جهت‌گیری سیاست خارجی کشور از طرف دیگر، نسبت تعیین‌کننده‌ای برقرار است. امروزه رویکرد سیاست خارجی هر دولتی از جمله ایران باید در فضای به وجود آمده از تحولات ICT، برنامه‌ریزی شود. در واقع شبکه‌های جهانی ارتباطات و اطلاعات، نیروی پیشران فرایند جهانی شدن هستند. عرصه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در عصر ICT شفاف‌تر و در عین حال پیچیده‌تر شده است.

۵. الزامات سیاست خارجی در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات

با توجه به فرایند جهانی شدن و رقابت سرسختانه دولت‌ها در زمینه برتری در ICT، واقعیتی غیرقابل

انکار است. ورود ایران به این عرصه نیز می‌تواند، فرصت‌های گسترده‌ای را برای تأمین منافع ملی فراهم نماید؛ که با نادیده گرفتن روند جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات، از مزایا و فرصت‌های آن محروم خواهد شد. اما این مسئله به معنای آن نیست که از تهدیدات آن نیز در امان خواهد بود؛ بلکه واقعیت تلخ این است که حتی اگر با رویکرد انزواگرایانه، ایران از مدار فناوری اطلاعات جهانی دور بماند، باز هم تهدیدات جریان جهانی ICT و فضای مجازی با شدت بیشتری به سراغ کشور خواهد آمد. امروزه نیز شاهد هستیم که بسیاری از تهدیدات این حوزه در بخش‌های مختلف در کشور به وقوع پیوسته است. در نتیجه، تنها راه پیش‌رو این است که به استقبال جریان جهانی اطلاعات و ارتباطات برویم و با رویکردی باز و نگاهی معقول، سعی نماییم سهمی در این دنیای در حال تحول داشته باشیم. در اینجا به برخی از مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی در مسیر توسعه ICT و فضای مجازی به منظور حفظ منافع ملی و ثروت‌آفرینی در ایران پرداخته می‌شود.

۵-۱. در پیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی

در عصر جهانی شدن، رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. در مورد ایران باید گفت که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی و همچنین الزامات فرایند جهانی شدن، حفظ امنیت ملی و منافع ملی ایران مستلزم در پیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی است. برخلاف رویکردهای رئالیستی که بر تنازع تأکید دارند، امروزه در دنیای جهانی شده ما شاهد پیوند و در هم تنیدگی روابط بین کشورها هستیم. به تعبیر رابرت کیوهن^۱ و جوزف نای «افزایش پیوندها و کاهش شدید هزینه‌های آن، محور جهانی شدن را تشکیل می‌دهد» (Keohane & Nye, 2012: p.232). برخلاف رئالیست‌های سنتی که بر این باور هستند قوی‌ترین دولت‌ها با سلطه نظامی خود، حتی در حوزه‌هایی که ضعیف هستند نیز برتری پیدا می‌کنند و در عمل بین قدرت نظامی و اقتصادی از یک سو و الگوی نتایج و پیامدها از طرف دیگر نوعی همسویی وجود دارد؛ نظریه‌پردازان نهادگرایی نئولیبرال معتقدند که با کاهش اهمیت نیروی نظامی، امکان سلطه قدرت‌های بزرگ در حوزه‌هایی که برتری ندارد، به این دلیل که در دنیای وابستگی متقابل الگوهای پیامدها و فرایندهای سیاسی از بخشی به بخش دیگر متفاوت است و بین موضوعات مختلف سلسله

1. Robert Keohane

مراتبی وجود ندارد. بنابراین به زعم نئولیبرالیست‌ها با کاهش مطلوبیت زور، توزیع قدرت در هر یک از حوزه‌های موضوعی اهمیت بیشتری می‌یابد. در چنین فضایی تعیین دستورکار در روابط بین دولت‌ها (نه صرفاً از مسائل نظامی)، بلکه از مسائل بین‌المللی و داخلی ناشی از رشد اقتصادی و افزایش حساسیت متقابل تاثیر می‌پذیرد. بر این اساس دولت‌ها سعی خواهند کرد از وابستگی متقابل نامتقارن، سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران و جریان‌های فراملی به عنوان منبع قدرت بهره‌برند (Keohane & Nye, 2012: p.25-26).

با حاکم شدن فضای وابستگی متقابل در نظام بین‌الملل، با رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی می‌توان منافع ملی را تأمین کرد. چندجانبه‌گرایی را می‌توان به معنای تعامل چند بازیگر از راه همکاری‌های بین‌المللی نهادینه‌شده و به صورت داوطلبانه، از طریق هنجارها، اصول مشترک و اعمال قوانین یکسان برای همه بازیگران، تعریف کرد (Bouchared & Peterson, 2010: p.22). در واقع چندجانبه‌گرایی، شیوه تطبیق و هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی در گروهی از سه کشور یا بیشتر، از طریق ترتیبات منحصربه‌فرد، یا روش‌های نهادی و سازمانی است (Keohane, 1990: p.731). بر این اساس، توسعه ICT و فضای مجازی تنها با اتخاذ رویکرد چندجانبه در سیاست خارجی ممکن خواهد بود.

در وضعیت کنونی، رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه حتی برای قدرت‌های بزرگی مثل آمریکا، روسیه و چین نیز غیرممکن شده است؛ در حال حاضر، دولت‌ها صرفاً از طریق همکاری در قالب سازمان‌های بین‌المللی یا توافقات چندجانبه در موضوعات مختلف می‌توانند اهداف خارجی خود را پیگیری کنند (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۲). در خصوص اهمیت دیپلماسی چندجانبه دو دلیل اساسی می‌توان ذکر کرد: «افزایش چالش‌ها و فرصت‌ها و همچنین نارسایی راه‌های یک‌جانبه و دو‌جانبه» (ظریف و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۴۳). از دید نظریه‌پردازان نئولیبرال، جهانی‌شدن و بسیاری از موضوعات و چالش‌های مربوط به آن، مانند محدود شدن اختیارات دولت‌ها، سبب شده است تا چندجانبه‌گرایی به یکی از الزامات سیاست خارجی همه کشورها تبدیل شود. موضوعاتی نظیر فناوری اطلاعات، فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی، موضوعات مشترک اکثریت کشورها محسوب می‌شود و پرداختن به این مسائل و حل و فصل آن، نیازمند همکاری با دیگر بازیگران بین‌المللی است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۲). با اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی، ایران می‌تواند همزمان با کشورهای غربی، چین، ژاپن، هند و همچنین کشورهای همجوار، مانند ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس، در زمینه توسعه زیرساخت، فناوری و خدمات بخش ICT، به همکاری چندجانبه بپردازد.

۵-۲. تقویت دیپلماسی فناورانه در جهت ائتلاف با کشورهای پیشرو در حوزه ICT

یکی از الزامات مهم توسعه ICT در ایران، در پیش گرفتن دیپلماسی علمی و فناورانه در سیاست خارجی است. تأثیر فناوری و اینترنت بر سیاست خارجی باعث شده، مفاهیمی مانند دیپلماسی مجازی، دیپلماسی سایبری^۱، دیپلماسی الکترونیکی، توئیلماسی^۲ و یا دیپلماسی دیجیتال^۳ شکل بگیرد. «دیپلماسی دیجیتال به معنای حل مسائل سیاست خارجی با استفاده از اینترنت است» (Adesina, 2017: p.4). طبیعتاً اتخاذ دیپلماسی علمی و فناوری به منظور دستیابی به علوم و فنون مرتبط با زیرساخت‌ها و خدمات حوزه ICT، مستلزم به‌کارگیری رویکردی هوشمندانه و چندجانبه با مشارکت بخش خصوصی در قبال کشورهای پیشرو در این حوزه است. بنابراین، از طریق توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی، تقویت همکاری‌های دانشگاهی و تعریف پروژه‌های مشترک تحقیقاتی در حوزه ICT می‌توان، به شکاف دیجیتال^۴ بین ایران با کشورهای توسعه‌یافته به تدریج غلبه کرد. البته بدون ایجاد فضای باز رقابتی در داخل و در کنار آن حضور گسترده تولیدات داخلی در بازار رقابتی جهانی و در شرایط بی‌ثبات بودن سیاست‌های اقتصادی، اقتصاد رانتهی، عدم شفافیت در قوانین مالی، بانکی، مالیاتی و نامناسب بودن فضای کسب و کار رسیدن به قدرت فناوری اطلاعاتی، امکان‌پذیر نخواهد بود.

دیپلماسی علمی و فناوری باید به شناسایی روندهای جهانی توسعه ICT پردازد و در راستای کاهش شکاف دیجیتال بین ایران و کشورهای پیشرو در محتوای فضای مجازی، نرم‌افزارها، استانداردها و زیرساخت‌های لازم برای شبکه اطلاعات، تلاش نماید، در عرصه جهانی از امکانات و ظرفیت‌های لازم، حداکثر استفاده را ببرد. یکی از مشکلات پیش‌روی ایران در مسیر به‌کارگیری دیپلماسی فناورانه این است، که مسئولین کشور چندان به اهمیت این نوع دیپلماسی و نقش آن در قدمتندی ایران واقف نیستند. به این دلیل امروزه بین ایران و بسیاری از کشورهای پیشرفته در حوزه فناوری اطلاعات، در بحث تعامل علمی و دانشگاهی و رفت و آمد نخبگان، موانعی جدی وجود دارد. دیپلماسی علمی و فناوری می‌تواند از طریق ائتلاف‌سازی و نقش‌آفرینی فعال در شکل‌دهی به ساختارها و قواعد حاکم بر فضای مجازی در سطح

1. Cyber-diplomacy
2. Twiplomacy
3. Digital Diplomacy
4. Digital Divide

جهانی و همچنین جذب فناوری خارجی و کمک به سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌ها موجب توسعه ICT در ایران شود. در واقع راه دستیابی به قدرت فناوری اطلاعاتی، در تعاملات گسترده بین‌المللی است. ذکر این نکته لازم است که بکارگیری دیپلماسی علمی و فناورانه نسبت به دیگر رویکردها امکان موفقیت بیشتری دارد؛ چرا که تقویت تعاملات علمی و فناورانه بین‌المللی با کمک دانشمندان، از آنجایی که از عوامل سیاسی، ایدئولوژیک و محدودیت‌های ناشی از آن‌ها به دور است، نسبت به روابط رسمی دیپلماتیک که مقامات سیاسی دنبال می‌کنند، راحت‌تر به نتیجه می‌رسد.

۳-۵. گذار از رویکرد امنیتی به رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی

یکی از الزامات مهم در توسعه قدرت فناوری اطلاعاتی و فضای مجازی، گذار از رویکرد امنیتی و ایدئولوژیک به رویکرد اقتصادی در عرصه سیاست خارجی است. رویکرد امنیتی که در دهه‌های گذشته بر سیاست خارجی ایران حاکم بوده، موجب ایجاد تنش، بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی بین ایران و دیگر همسایگان و همچنین روابط با قدرت‌های جهانی شده است. با چنین روندی نمی‌توان فناوری اطلاعات و فضای مجازی کشور را توسعه داد؛ چرا که پیشرفت در حوزه ICT، نیاز به ارتقای روابط اقتصادی، علمی و فنی چندجانبه در عرصه جهانی دارد. با به‌کارگیری رویکرد دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی، کاهش تنش‌های سیاسی و امنیتی و تبدیل تعارضات ایدئولوژیک و امنیتی به اختلافات قابل مذاکره، می‌توان زمینه را برای بازاریابی، تسهیل صادرات و فروش محصولات تولیدی داخل در حوزه ICT و جذب فناوری پیشرفته فراهم کرد. براساس تجارب جهانی، بدون دیپلماسی اقتصادی، دستیابی به توسعه اقتصادی، علمی و فناورانه کاملاً محال است. دیپلماسی اقتصادی برای موفقیت هرچه بیشتر باید بتواند در کشورهای دیگر نفوذ داشته باشد. زمینه این نفوذ را رفت و آمد نخبگان، همکاری‌های فنی، علمی و اقتصادی و تعریف پروژه‌های مشترک به وجود می‌آورد. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی موجب حضور فعال ایران در نهادهای بین‌المللی مرتبط با حوزه ICT می‌شود. این رویکرد ضمن بهبود تصویر کشور در عرصه بین‌المللی، موجب ارتقای سطح آزادسازی اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اولویت یافتن منافع اقتصادی بر ملاحظات سیاسی و امنیتی در تصمیم‌گیری‌های خارجی، افزایش سهم کشور از بازارهای جهانی حوزه ICT و همچنین ارتقاء روابط با نهادهای اقتصادی- مالی جهانی می‌شود.

۴-۵. توسعه همکاری‌های بین‌المللی در خصوص امنیت سایبری

یک از اقداماتی که در راستای توسعه فضای مجازی و فناوری اطلاعات در ایران باید در دستور کار

دولت قرار بگیرد، گسترش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه امنیت سایبری است. این مسئله یکی از نگرانی‌های اصلی برخی از نهادهای امنیتی ایران است. این نهادها گسترش ICT و فضای مجازی را تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و عمدتاً علاقمند به فیلترینگ در فضای مجازی هستند. اما واقعیت مسئله این است، که امروزه امنیت، امری چندبعدی است. امنیت صرفاً با رویکرد نظامی، تأمین نمی‌شود. کشوری که به لحاظ اقتصادی با مشکلات جدی مواجه است و به لحاظ علمی و فناوری با کشورهای توسعه یافته فاصله زیادی دارد، به طور جدی در معرض تهدیدات امنیتی ناشی از فضای مجازی قرار دارد. «امنیت در سایه افزایش ثروت ملی است. عموم کشورهایی که وارد فاز جدید امنیت مبتنی بر ثروت ملی شده‌اند، امنیت خود را بر اساس ائتلاف‌ها، پیمان‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی تأمین می‌کنند» (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ص ۳۹). با توجه به گسترش ICT، باید گفت که امنیت ملی را صرفاً با تکیه بر توان داخل کشور نمی‌توان تأمین کرد. امروزه امنیت ملی با ائتلاف‌سازی و همکاری بین‌المللی چندجانبه در مسائل گوناگون، به خصوص در ارتباط با شبکه‌ی جهانی ICT تأمین می‌گردد. «شبکه‌های جهانی به دولت‌ها کمک می‌کنند حجم وسیعی از اطلاعات را برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف، گردآوری و تحلیل کنند. شبکه جهانی ICT، در حال تغییر دادن چهره جنگ‌های مدرن است. تمام ارتش‌های مدرن در حال سرمایه‌گذاری در ICT هستند. رایانه‌های متصل به شبکه ممکن است به زودی در ارتش‌های مدرن، اسلحه‌ها را از رده خارج کنند» (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ص ۱۲۴۰). امروزه صحبت از جنگ اطلاعاتی است تا جنگ صنعتی. در جنگ صنعتی، جنگ بر سر سرزمین است؛ جمعیت زیادی جا به جا می‌شود و تلفات زیادی نیز به جا می‌گذارد. اما جنگ اطلاعاتی در برگیرنده همه انواع فناوری‌های جدید (سربازان دیجیتال، هواپیماهای بدون سرنشین، سلاح‌های کامپیوتری و...) است (ریترز، ۱۳۹۵: ص ۴۹۹). حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران توسط ویروس استاکس نت^۱ در سال ۲۰۱۰، نمونه‌ای از جنگ اطلاعاتی با به کارگیری فناوری اطلاعات است. به گفته جوزف نای، «در دنیای جهانی شده می‌توان چهار تهدید سایبری امنیت ملی را به این صورت ذکر کرد: جاسوسی اقتصادی، ارتکاب جرم، جنگ سایبری و تروریسم سایبری» (نای، ۱۳۹۳: ص ۱۹۷). امروزه جاسوسی اقتصادی و سرقت مالکیت معنوی در فضای سایبری بسیار گسترده شده است. دستیابی به امنیت در این حوزه بی‌تردید با همکاری‌های

بین‌المللی با کشورهای پیشرو مقدور خواهد بود. در این راستا به منظور توسعه ICT در ایران می‌توان اقدامات زیر را در سطح بین‌المللی پیش گرفت: کاستن از شکاف دیجیتالی بین ایران با کشورهای پیشرو و ICT، حفظ حقوق مالکیت معنوی کشور، تطبیق معیارها و استانداردهای ملی با استانداردهای بین‌المللی، مشارکت در تدوین مقررات بین‌المللی در رابطه با امنیت فضای مجازی، ائتلاف‌سازی برای مبارزه با جرایم اینترنتی، تروریسم سایبری و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی و عمرانی. تهدیدات حوزه فضای مجازی و فناوری اطلاعات بسیار متنوع بوده و حل و فصل این تهدیدات بدون همکاری‌های پایدار بین‌المللی کاملاً ناممکن است.

۵-۵. بهره‌گیری از ظرفیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کشور در توسعه ICT

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران به گونه‌ای است که این کشور را تبدیل به چهارراه منحصر به فرد ارتباطی جهان ساخته است. ایران با ۱۵ کشور همسایه است و به لحاظ جغرافیایی به کشورهای تأثیرگذاری مانند چین، هند، روسیه و حتی کشورهای اروپا نزدیک است. از جنوب با کشورهای حاشیه خلیج فارس ارتباط نزدیکی دارد و از شمال با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی همجوار است. از غرب و شرق نیز با بسیاری از کشورهای دیگر ارتباط پیدا می‌کند که دارای منافع و خواسته‌های مشترک زیادی هستند. با برخورداری از چنین موقعیت منحصر به فردی می‌توان در عرصه ICT و فضای مجازی، شبکه گسترده‌ای برای اطلاعات و ارتباطات جهانی ایجاد کرد. ایران می‌تواند تبدیل به شاهراه بین‌المللی تجارت الکترونیک شود و از طریق «اتصال شبکه ارتباطی کشور به کشورهای همجوار، به منظور تبادل و انتقال اطلاعات و برقراری ارتباطات بین‌المللی برای تحقق بخشیدن به کانون سرویس‌های فناوری اطلاعات منطقه‌ای»، می‌توان از مزیت ژئوپلیتیکی ایران بهره گرفت (سند راهبردی نظام جامع فناوری اطلاعات). بنابراین، با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی ایران، باید به استقبال جهانی شدن رفت و ضمن توجه آگاهانه به پیامدهای منفی جهانی شدن، تلاش کرد تا از فرصت‌های بی‌شمار آن در حوزه ICT به بهترین نحو برای افزایش رفاه ملی بهره گرفت.

علاوه بر آن، ایران باید از موقعیت ژئواکونومیکی خود در ساختارسازی منطقه‌ای و ایجاد سازمان منطقه‌ای برای مواجهه با جریان ICT استفاده نماید. با همکاری‌های منطقه‌ای می‌توان مسائل مربوط به زیرساخت‌های ICT، سرمایه‌گذاری‌های لازم و تقویت تجارت الکترونیک در سطح منطقه را حل و فصل نمود. از طریق همگرایی منطقه‌ای در بحث فناوری اطلاعات، کشورهای منطقه خاورمیانه می‌توانند به

تدریج برای ورود به عرصه جهانی که در آن رقابت بسیار سرسختانه است، آماده شوند. در نتیجه، تصمیم‌گیران ایران باید برنامه مشخصی برای شکل دادن به ائتلاف منطقه‌ای در خصوص مدیریت فضای مجازی و ICT داشته باشند. در این باره می‌توان با تکیه بر مزیت ناشی از موقعیت ژئواکونومیکی خود، با نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند شورای همکاری خلیج فارس (PGCC)، گروه دی-هشت (D-8)، سازمان همکاری شانگهای^۱، گروه بیست (G-20) و بریکس^۲ در حوزه ICT به تعامل پرداخت. از طریق این نهادها می‌توان در خصوص استانداردسازی فناوری اطلاعات و فضای مجازی در سطح منطقه و جهان اقدام به شبکه‌سازی نمود.

این مسئله از آن نظر حائز اهمیت است که از دید نظری هم مورد توجه نهادگرایان نئولیبرال قرار گرفته است. به زعم آنها امروزه جهان وارد عصر جدیدی از جهان‌گرایی شده که در آن مسائل ژئواکونومیکی اهمیت فزاینده‌ای یافته و شبکه‌های متنوع جهانی از جمله شبکه‌های اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کنند. شبکه بازارهای سرمایه و شبکه بانکی در کنار زنجیره شبکه مانند تولید و توزیع کالا، شبکه‌هایی هستند که هویت اقتصادی و کنش اقتصادی بازیگران عرصه جهانی از دولت‌ها گرفته تا شرکت‌ها، بانک‌ها، صاحبان سرمایه و... را شکل می‌دهند. از دید رابرت کیوهن، دولت‌ها دیگر تنها کنشگران محیط بین‌المللی نیستند و نهادهایی در عرصه جهانی پدید آمده‌اند که می‌توان آنها را بازیگرانی مستقل با هویت جداگانه تلقی کرد (سلیمی، ۱۴۰۰: ص ۱۷۱). در چنین شرایطی هر الگوی حکمرانی هم باید به جای سلسله مراتبی بودن، شبکه‌ای شود و بازیگران گوناگونی مثل دولت‌ها، بخش خصوصی و NGOS را که در سیاست عمومی جهانی درگیر هستند، مورد توجه خود قرار دهد (Keohane, 2002: p.214).

۵-۶. راه‌اندازی برنامه جذب نخبگان ایرانی و خارجی در حوزه ICT

یکی از الزامات توسعه فضای مجازی کشور، راه‌اندازی برنامه‌ای برای استعدادیابی با هدف جذب نخبگان ایرانی و خارجی در حوزه ICT است. دستگاه سیاست خارجی ایران از طریق شبکه گسترده نمایندگی‌ها و سفارتخانه‌های خود می‌تواند با نخبگان ایرانی و خارجی به خصوص در کشورهای توسعه یافته تعامل نماید. در کنار آن، ایجاد فضای آزاد کسب و کار، بسترسازی برای بازار آزاد در داخل و ارتباط با

1. Shanghai Cooperation Organization

2. BRICS

بازار آزاد جهانی، شفاف‌تر شدن قوانین، معافیت از مالیات، ایجاد مناطق ویژه فناوری حداقل در ۱۰ نقطه کشور با همکاری شرکت‌های برتر خارجی، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر، حمایت از حقوق مالکیت معنوی نخبگان و اعطای تسهیلات و مشوق‌های گوناگون به آنها، از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که موجب هموار شدن مسیر پیشرفت ایران در حوزه ICT خواهد شد. بدون حمایت جدی و به کارگیری نخبگان حوزه ICT در راستای پیشبرد برنامه‌های توسعه فضای مجازی و پیوستن به بازار آزاد جهانی، تحول خاصی در این عرصه اتفاق نخواهد افتاد؛ نتیجه این مسئله، رواج هر چه بیشتر پدیده فرار مغزها خواهد شد. بنابراین، لازم است دولت دست از نگاه امنیتی، به نخبگان و دانشمندان، به خصوص ایرانیان خارج از کشور بردارد و تنوع و تکثر فکری و سیاسی میان نخبگان ایرانی را امری طبیعی و قابل احترام بداند. به گفته کینچی اوهمای^۱ «هیچ نظامی نمی‌تواند زندگی مناسبی را برای مردم خود فراهم کند، بدون آنکه تکثرگرایی میان آنان را در نظر داشته باشد» (سلیمی، ۱۳۹۶: ص ۸۷). همچنین باید نهادی مشترک بین وزارت امور خارجه و وزارت علوم با اختیارات ویژه در خصوص تعامل علمی با دنیا و جذب نخبگان ایرانی و خارجی در بخش ICT تأسیس شود. این نهاد می‌تواند با اعطای فرصت‌های مطالعاتی، ایجاد تسهیلات ویژه به نخبگان و اساتید کشور و بهره‌گیری از کارشناسان علمی و فناوری در سفارتخانه‌ها، زمینه جذب نخبگان را فراهم نماید. در صورت ایجاد تعامل پایدار، نخبگان ایرانی خارج از کشور می‌توانند سفیران علم و فناوری ایران در سراسر دنیا باشند. نکته مهمی که در مورد ایران وجود دارد این است، که عرق ملی نخبگان ایرانی خارج از کشور که به ایران دارند، کار وزارت خارجه و وزارت علوم را ساده‌تر می‌کند؛ چنین امتیازی برای همه کشورها وجود ندارد. این سابقه بلندمدت تاریخی و هویت ملی قوی ایران است که باعث می‌شود، نخبگان این کشور با هر فکر و عقیده در هر گوشه دنیا، قلب‌شان همواره برای ایران و آبادی این سرزمین بتپد.

۷-۵. ایجاد اجماع در سیاست‌گذاری حوزه فضای مجازی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ایران در زمینه حکمرانی فضای مجازی و بخش فناوری اطلاعات کشور، عدم وجود اجماع‌نظر بین تصمیم‌گیران و نهادهای مربوطه است. در حال حاضر در حوزه فضای مجازی با وجود اینکه سازمان مشخصی نیز برای این حوزه تشکیل شده است، شاهد آشفتگی و به هم‌ریختگی

1. Kenichi Ohmae

مدیریتی و تصمیم‌گیری هستیم. طبیعتاً نتیجه این مسئله در رویکرد سیاست خارجی کشور در موضوع فضای مجازی و فناوری اطلاعات نیز بروز می‌کند. تا زمانی که در سطح حاکمیتی، مقامات ایران به اجماع مشخصی در مورد نحوه مواجهه با تحولات فضای مجازی دست نیابند، در حوزه سیاست خارجی هم شاهد بلا تکلیفی و عدم تصمیم‌گیری به موقع برای روبرو شدن با تحولات نوظهور خواهیم بود. در مسیر دستیابی به نقشه راه توسعه فضای مجازی به همکاری مداوم همه نهادهای دخیل نیاز است. فضای مجازی متأثر از جریان جهانی گسترش ICT با سرعت غیرقابل پیش‌بینی در حال تحول است. برای مقابله با تهدیدات این حوزه، حاکمیت باید ضمن پرهیز از موازی‌کاری، به رویکردی واحد، هم در داخل و هم در ارتباط با دیگر بازیگران عرصه جهانی دست یابد. بدون اجماع در سطح ملی در ارتباط با فضای مجازی و همسویی آن با نیازهای مردم، تحولات فضای مجازی و ICT تهدیدی برای امنیت ملی ایران خواهد بود. در این زمینه می‌توان یکی از دلایل مهم گسترش اعتراضات سال ۱۴۰۱ را نگاه امنیتی به فضای مجازی و محدودسازی اینترنت کشور در قالب «طرح صیانت از فضای مجازی» بدون در نظر گرفتن خواسته‌های شهروندان دانست.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی نقش سیاست خارجی در توسعه ICT پرداخته شد. به عنوان جمع‌بندی باید گفت که اگرچه در وضعیت فعلی نیاز به تقویت زیرساخت، خدمات و ارتقای دانش ICT در داخل کشور، یک مسئله حیاتی است؛ اما ذکر این نکته ضروری است که توسعه ICT و فضای مجازی در ایران صرفاً با تکیه بر توان داخلی مقدور نخواهد بود. ماهیت و ذات حوزه ICT به گونه‌ای است که بدون همکاری بین‌المللی و مشارکت با دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی پیشرو، توسعه این بخش تقریباً غیرممکن است. نکته دیگر اینکه، به زعم نهادگرایان نئولیبرال، مشارکت در نهادسازی‌های بین‌المللی به منظور تعیین استانداردهای حوزه ICT، امری بسیار مهم است؛ چرا که در عصر جهانی شدن، دولت‌هایی که استانداردها را تعیین می‌کنند، برای دیگر دولت‌ها دستورکار تعیین خواهند کرد و از این طریق به تدریج بر آنها مسلط خواهند شد. امروزه بازیگران متنوعی اعم از دولت‌ها، شرکت‌ها، افراد و سازمان‌های غیردولتی در حوزه فناوری اطلاعات در سطح جهانی نقش ایفاء می‌کنند، که ضروری است، تصمیم‌گیران ایران برای توسعه ICT، برنامه مشخصی برای تعامل با همه این بازیگران و در سطوح مختلف داشته باشند.

همچنین درک تصمیم‌گیران از این مسئله که در محیط بین‌المللی، منابع و مفهوم قدرت بسیار متکثر

شده، تعیین‌کننده خواهد بود؛ به این معنا که از منابع سخت نظامی گرفته تا منابع اقتصادی، سیاسی، ساختاری، نرم، اجماع‌سازی، دیپلماتیک، علمی، فناوری و نوآوری در میزان قدرتمندی و ارتقاء جایگاه یک کشور در عرصه جهانی تأثیرگذار است. در فضای جهانی شدن ICT، باید با هوشمندی تمام هم فرصت‌ها را شناخت و هم تهدیدات را؛ هم برای بهره‌مندی از امکانات بین‌المللی برنامه‌ریزی کرد و هم برای چالش‌ها و موانع آن؛ در سطح تصمیم‌گیری نیز باید رویکرد واقع‌بینانه، عملگرایانه و توسعه‌محور در پیش گرفت.

مسئله دیگر اینکه، حکومت در راستای توسعه حوزه ICT باید اولویت‌های خود را به اولویت‌های مردم و بخش خصوصی نزدیک کند. در حال حاضر، شکافی بین این اولویت‌ها وجود دارد، که خود را در مسئله فیلترینگ بروز می‌دهد. دولت باید فضای مجازی کشور را در فضای رقابت بین‌المللی توسعه دهد. ما نمی‌توانیم از صحنه رقابت جهانی به دور باشیم و در عین حال انتظار توسعه ICT و فضای مجازی کشور را داشته باشیم. حتی دستیابی به استقلال و نوآوری در این حوزه نیز از مسیر ورود به عرصه تعامل و رقابت تنگاتنگ جهانی می‌گذرد. نکته دیگر، گذار از دید امنیتی به دید توسعه‌محور و ثروت‌آفرین در حوزه حکمرانی فضای مجازی است. در توسعه ICT، ضمن در نظر گرفتن ملاحظات امنیت ملی، باید معیار اصلی تولید، کسب ثروت و تأمین منافع ملی کشور باشد. کسب ثروت در جریان جهانی شدن نیز منوط به تعامل سازنده با دنیاست. اگر در برابر امواج برآمده از پیشرفت علم و تکنولوژی جهانی، همواره نگاه تنگ‌نظرانه امنیتی به فضای مجازی و ICT داشته باشیم، حتماً شکاف دیجیتالی ما با دنیا روز به روز بیشتر خواهد شد و نتیجه چنین روندی، چیزی جز توسعه‌نیافتگی و بروز تهدیدات روزافزون نخواهد بود. امروزه در سطح حکمرانی باید این مسئله را مفروض گرفت که راه پیشرفت و قدرتمندی ایران، علاوه بر سامان دادن به امور داخلی کشور - با نگاه توسعه‌محور - از مسیر تعامل همه‌جانبه با کشورهای توسعه‌یافته می‌گذرد. بنابراین، در حوزه حکمرانی، باید بر مبنای واقعیت‌های روز دنیا تصمیم‌گیری کرد و امور کشور را در مسیر پیشرفت، رفاه و آسایش شهروندان هدایت کرد.

منابع

- ایمانی، همت؛ دیلمقانی، فرشید (۱۳۹۷). رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان). *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۷(۲۶): ص ۸۷-۱۱۴.
- بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- جکسون، رابرت؛ سورنسون، گنورگ (۱۳۸۶). *درآمدی بر روابط بین‌الملل*. ترجمه مهدی زاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعیدکلاهی. تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
- دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۹۱). *قدرت اطلاعات؛ تأثیر اطلاعات بر نظریه توسعه*. تهران: نشر تیس؛ با همکاری مؤسسه اندیشه و پژوهشی طرح هزاره.
- ریترز، جرج (۱۳۹۵). *جهانی شدن (بایسته‌ها)*. ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: نشر چاپخش.
- سریع‌القول، محمود (۱۳۸۴). *ایران و جهانی شدن*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). *دولت مجازی یا واقع‌گرایی تهاجمی؛ بررسی مقایسه‌ای نظریه ریچارد روز کرانس و جان میرشایمر*. پژوهش حقوق و سیاست، ۷(۱۷): ص ۴۳-۱۹.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۶). *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن*. تهران: نشر سمت.
- سلیمی، حسین (۱۴۰۰). *گذار از اقتصاد بین‌الملل به اقتصاد جهانی*. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۲۱(۸۲): ص ۱۶۳-۱۹۵.
- سند راهبردی نظام جامع فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران. مرجع تصویب: مصوبات هیأت وزیران، تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۰۲/۰۸. قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/136242>
- ظریف، محمدجواد؛ سجادپور، سیدکاسم؛ مولایی، عباداله (۱۳۹۵). *دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پساغربی*. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
- گریفین، کارنر؛ مارتینز، مایکل (۱۳۹۸). *تأثیر فناوری‌های پیشرفته بر آینده دولت‌ها و کشورها*. ترجمه فرزانه مجیدفر، فرشید مجیدفر و عباسعلی کارشناس. تهران: نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نای، جوزف (۱۳۹۳). *آینده قدرت*. ترجمه احمد عزیزی. تهران: نشر نی.
- نای، جوزف؛ پاپ، رابرت (۱۳۹۱). *قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل*. ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Adesina, O.S. (2017). Foreign policy in an era of digital diplomacy. *Cogent Social Sciences*, No.3: P.1-13. DOI: <http://dx.doi.org/10.1080/23311886.2017.1297175>
- Borcuch, A. & Piłat-Borcuch, M. (2012). The Influence of the Internet on globalization process. *Journal of Economics and Business Research*, Year XVIII, No.1: P. 118-129.
- Bouchard, C. & Peterson, J. (2011). Conceptualising Multilateralism: An We All Just Get Along? *Mercury: Multilateralism and the EU in the Contemporary Global Order*, 1(1), P. 3-39

- Keohane, R. & Nye, J.S. (2012). *Power and Interdependence*. Longman.
- Keohane, R. (2018). *International Institutions and State Power; Essays in International Relation Theory*. New York: Routledge (Taylor & Francis Group).
- Keohane, R.O. (1990). Multilateralism: An Agenda for Research. *International Journal*, No.45: P.731- 764.
- Lawlor, B.R. (2008). *The Age of Globalization: Impact of Information Technology on Global Business Strategies*. Bryant University Honors Program.
- McGlinchey, S. & et al. (2017). *International Relations Theory*. E-International Relations publishing, Bristol, England.
- Regional Cooperation in Information and Communication Technology (ICT). *Meeting the Challenges in an Era of Globalization by Strengthening Regional Development Cooperation*. Available at: <https://www.unescap.org/sites/default/files/ch5.pdf>
- Rosecrance, R. (1996). The Rise of the Virtual State. *Foreign Affairs*, Vol. 75, No.4: p. 45-61.
- Rosecrance, R. (2002). International security and the virtual state: states and firms in world politics. *Review of International Studies*, 28: p. 443-455.